

دومین سالگرد شهادت

شهید دکتر احمد حاتمی



۲۴ شهریور ۹۶

نکاتی چند درباره مباهله

در ایام ماه ذی‌الحجه اتفاقاتی می‌افتد، که یک دستی این‌ها را پشت‌سرهم چیده است؛ یعنی شما از یوم میقات حضرت موسی علیه السلام بگیرید، که به کوه سینا می‌رود و در آن ده روز، خلافت حضرت هارون علیه السلام را اعلام می‌کند و مردم پس می‌زنند، و آن را کنار حدیث منزلت بگذارید، بعد عید قربان و بعد از آن عید غدیر و همین‌طور جلو می‌آید و به مباهله قبل از محرم می‌رسید.

بنده دو مرتبه مباهله انجام دادم. یک روز یک روحانی جوان جلوی من را گرفت و گفت: «بنا به این دلایل، بعد از آقا رسول‌الله صلی الله علیه و آله نباید مباهله شود.» من یک روایت برای ایشان خواندم که فردی از بصره خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرضه داشت: «با برخی از مردم بحث می‌کنم و آیه ولایت، آیه مباهله یا آیاتی از سوره انسان که در شأن اهل بیت علیهم السلام است را برایشان می‌خوانم، اما بهانه می‌آورند و حقیقت را نمی‌پذیرند.» حضرت فرمودند «**فَبَتَّهِلْ؛ پس مباهله کن.**» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۸۹)، طبعاً امام صادق علیه السلام سال‌ها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. مباهله سلاح استراتژیک تشیع است و شرایطی دارد. مکتب ما مکتب علم است. در آیه مباهله آمده است که اول بحث علمی و منطقی کنید، اگر دیدید اثری نکرد، بعد به مباهله دعوتشان کنید.

مباهله سلاح
استراتژیک تشیع
است و شرایطی
دارد.

برکت عمر؛ شاخصه شهید

روز مباهله و همچنین حضور همه ما در مجلسی برای بزرگداشت نام یک شهید و الامقام را تبریک می‌گوییم. اگر بخواهیم «برکت» را خلاصه و معنا کنیم باید بگوییم برکت آن چیزی است که ما را به خدا نزدیک کند و موجب هدایت ما شود. بنده اعتقاد دارم تمام افرادی که در مجلسی با نام یک شهید جمع می‌شوند، دعوت شده‌اند. در جایی که شهدا باشند قطعاً ملائک حضور دارند. شهید کسی است که به یقین رسیده است.

شهید دکتر احمد حاتمی در بحث علمی شاخص است. عزیزی که مثل ما سروصدا نمی‌کند تا همه او را بشناسند، بلکه گمنام و بی‌سروصدا کارش را انجام می‌دهد و مایه افتخار می‌شود. یعنی اگر شما بخواهید یک بچه شیعه ناب را مثال بزنید، این شهید استاد دانشگاه را مثال می‌زنید.

همه‌مان این محبت به اهل بیت علیهم‌السلام را داریم، اما چقدر این محبت در ما کشش به وجود آورده تا سعی کنیم در تمامی جهات، چه برخورد با خانواده و چه در مردم‌داری و... شبیه به اهل بیت علیهم‌السلام زندگی کنیم؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: «**كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا**؛ مایه زینت ما باشید، مایه آبروریزی ما نباشید.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۷) برخی از ما اسم تشیع و محب اهل بیت علیهم‌السلام را یدک می‌کشیم اما هیچ چیزی از ما شبیه اهل بیت علیهم‌السلام نیست. کسی که مرید اهل بیت علیهم‌السلام است تمام سعی‌اش بر این است که خودش را دائم با این مرکز مختصات هستی بسنجد و هر لحظه سعی می‌کند خودش را به مبدأ این مرکز مختصات نزدیک کند و از آن دور نباشد. چقدر این مسئله هم‌وغم ماست؟

چقدر سعی می‌کنیم شبیه به اهل بیت علیهم‌السلام زندگی کنیم؟

یک حرف غلط هست که خیلی در بین مردم می‌شنویم؛ مثلاً خانم به شوهرش می‌گوید: «بین حضرت علی علیه‌السلام با حضرت زهرا علیها‌السلام چه برخوردی داشته.» شوهرش می‌گوید: «او حضرت علی علیه‌السلام و معصوم بوده.» درحالی‌که قرآن می‌فرماید: ﴿**كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**﴾ (احزاب: ۲۱) یعنی دقیقاً همان کسی که شما باید درست‌وحسابی او را الگو قرار بدهید، همین رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. معلوم است وقتی شما یک آدم غیرمعصوم را الگو قرار بدهید، در یک جاهایی آن آدم خلأ دارد و از قضا دقیقاً باید بی‌خطاترین فرد ممکن را مبنا قرار بدهید. زیرا حتی اگر یک خطا هم در الگوی شما باشد همان یک خطا هم در مسیر کمال شما مشکل به وجود می‌آورد. از طرفی ممکن است ما خیلی از افراد غیرمعصوم را الگو قرار دهیم، اما آن فرد غیرمعصوم در حوزه‌ای که مورد الگو قرار می‌گیرد خبره‌ترین است که ما به آن دسترسی داریم.

پیامبر دقیقاً همان کسی است که شما باید او را الگو قرار بدهید.

روحیه‌ای که راز موفقیت در هر عرصه‌ای است

تربیت در
میدان صورت
می گیرد.

اگر می بینید ما در حوزه هایی در کشور رشد کرده ایم، برای همین روحیه و تفکر بوده و این انقافی نیست. دشمن ما دنبال کالبدشکافی این مسئله است. خیلی ها هنوز در کشور متوجه نشده اند که تربیت اسلامی یک تربیت انتزاعی نیست بلکه تربیت کاملاً عینی است. تربیت در میدان صورت می گیرد. شما امروز داروندار مملکتان را مدیون همان هایی هستید که آن موقع جنگیدند، مثل قاسم سلیمانی ها که الان تا مرزهای سوریه برای شما عزت به وجود آورده اند، برای اینکه تربیت شده همان سیستم هستند.

یک سری از آن ها که در آن سیستم تربیت شدند شهید شدند و عده ای هم ماندند که جانباز شده بودند، پا نداشتند، دست نداشتند و عده ای از آن ها وارد ورزش شدند، مثل والیبال نشسته. از سالی که این ها وارد این بازی ها شدند ایران همین طور اول است. چه منطقی اینجا حاکم است؟ منطق این است که هرکس در جنگ بوده والیبالیست خوبی است؟ خیر؛ من دنبال آن روحیه ام، همان روحیه ای که دشمن هم دنبال همان است. آن اعتقاد چیست؟

موشک های ذوالفقاری که در دیرالزور زدیم سرعت لحظه برخوردشان ۷ تا ۸ ماخ بود. یعنی در یک ثانیه ۲/۵ کیلومتر می رود. این موشک چه بدنه ای دارد که این حد فشار را می تواند تحمل کند؟ این چه سیستمی است که این موشک را این طور پیش می برد؟ آن چه سوختی است؟ آن چه موتوری دارد؟ ما به دانش این ها دسترسی پیدا کرده ایم. پس چرا خودروهائیمان این طور است؟! راز موفقیت ساخت موشک ها همان روحیه است.

راز حیات شجره این مملکت و آن آبی که از آوندهای این گیاه بالا می رود و در هجوم این همه ملخ آن را زنده نگه داشته، همین روحیه است. این روحیه همه چیز را زیورور می کند و از زمین و آسمان برکت می بارد. ویژگی این روحیه این است که ناامید نمی شوید و برایتان بن بست وجود ندارد. چون در این روحیه و اعتقاد فقط قدرت دست خداست. خدا بی نهایت است و بی نهایت هم بن بست ندارد.

من می خواهم دو جامعه را از هم تفکیک کنم؛ یک دسته افرادی که دم از انقلابی گری می زنند و نان انقلاب را می خورند اما جماعت بی هنر مدعی هستند و فقط برای کشور هزینه دارند؛ نقطه مقابلشان جماعت هنرمند ساکنند؛ کسانی که دارند کارشان را می کنند و کاربلد هم هستند و جور بقیه را هم می کشند. تا پارسال کدام یک از من و شما خیر داشتیم که در این مملکت پانصد متر زیر زمین شهرهایی پر از موشک داریم؟ این دانش از کجا آمده است؟ آیا یک استاد مکانیک نباید بنشیند و محاسبات آن را انجام بدهد؟ آن استاد، یکی از همین حوله پوش های ساده کنار خانه کعبه بود، که همان جا هم دغدغه فرهنگی داشت.

آن استاد، یکی از
همین حوله پوش های
ساده کنار خانه کعبه
بود.

آدمی که درگیر پروژه‌های ملی و نظامی و امنیتی بوده اما غافل از بچه‌اش هم نبوده است.

من نکته‌ای در مورد این شهید بزرگوار می‌خواهم بگویم که خانواده شهید هم نمی‌دانند و تا الان نگفته بودم. ایشان نزدیک به یک ماه تمام با من تماس می‌گرفتند و خودشان را هم معرفی نمی‌کردند. من هم سرم شلوغ بود و نهایتاً یک مکالمه‌ای با هم داشتیم. بنده تازه بعد از شهادت ایشان فهمیدم که آن شخص ایشان بودند. یکی از فرزندان این شهید سخنرانی‌های من را خیلی گوش می‌کرد و ایشان نسبت به این نکته چند تا مسئله داشت. ببینید آدمی که درگیر پروژه‌های ملی و نظامی و امنیتی بوده اما غافل از بچه‌اش هم نبوده است. رفته نگاه کند ببیند این استادی که بچه‌اش دارد سی‌دی‌هایش را گوش می‌کند کیست.

یکی از کارهای ایشان بحث ترافیک تهران بود، این شهید راجع به ترافیک تهران خیلی غصه خورد. همین بحث هوایی کنترل ترافیکی، ایده ایشان بود و اصلاً راجع به این مسئله ثبت اختراع داشت. چون ایشان نگران شیعه‌خانه امام‌زمان علیه السلام بود و نگران عمرهایی بود که در این ترافیک دارد هدر می‌رود. یعنی مسائل کلی باعث نمی‌شود آدم از مسائل جزئی غافل شود و مسائل جزئی آدم را از نگاه استراتژیک و راهبردی غافل نمی‌کند. ویژگی مؤمن همین است.

یکی از کارهای ایشان بحث ترافیک تهران بود.

ایشان حواسش به خانواده‌اش، به جامعه‌اش و دشمنش بود، از آن طرف نگرانی کار فرهنگی هم داشت. چندین مؤسسه اسلامی و فرهنگی در انگلستان ثبت کرده بود. خیلی‌های دیگر هم انگلستان رفتند اما از این کارها نکردند. این شهید بزرگوار در همان‌جا چند نفر را هم شیعه کردند. از هر بُعدی در زندگی این شهید بزرگوار وارد می‌شوید، خودش یک رزومه است. همه این‌ها به خاطر آن روحیه است.

سرمنشأ این روحیه چیست؟

این روحیه چیزی است که دشمن هم می‌خواهد بداند چیست، و گرچه نمی‌فهمد اما سرمنشأ‌هایش را پیدا کرده و فهمیده یکی از آن سرمنشأها قطعاً امام حسین علیه السلام است. هجده‌ای که این چند سال اخیر روی اباعبدالله علیه السلام بود روی هیچ‌کدام از ائمه علیهم السلام نبود. امام حسین علیه السلام را جلوی قومیت‌ها قرار دادند، یا اینکه شبهاتی در مورد کربلا و عاشورا و اصحاب حضرت ایجاد کردند.

از نظر من همه چیز از عاشورا می آید. چون اساساً یک اتفاق کاملاً الهی است و مگر می شود نقص داشته باشد؟ این سناریو آن قدر کامل است که همه اش معجزه است؛ از نودساله تا شش ماهه، از مرد تا زن، از مسیحی تا مسلمان، به لحاظ دسته بندی سیاسی از زُهِیر عثمانی مسلک و ضد امیرالمؤمنین علیه السلام تا حضرت عباس علیه السلام فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام، از برادری که برادر دیگرش در آن سپاه است، از پدری که بچه اش در سپاه دیگر است، از حُرّی که خودش مسبب گیرافتادن حضرت در کربلاست تا عبدالله کوچکی که خودش را روی پیکر مطهر می اندازد، از درس شهامت و رزمندگی تا درس اخلاق و کوچک ترین مسائل همه و همه در کربلا در جای خودش قرار گرفته است.

همه چیز از عاشورا می آید. چون اساساً یک اتفاق کاملاً الهی است.

شما فکر کرده اید این طبیعی است؟ اربعین که می شود ۴۰ میلیون آدم به یک کشور جنگ زده ای که امنیت ندارد وارد می شوند و با این حال در این ایام در آنجا وفور نعمت است. این همان روحیه است که اگر در بحث علمی و دانشگاهی یا تبلیغ دین همین روحیه باشد، به بالاترین ها می رسید. هر جا در این مملکت دنبال موفقیت می گردید این روحیه را تزریق کنید.

یا اباصالح!

بهای وصل تو گر جان بود خریدارم...